

# بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مرحله‌ی آماده‌سازی فایل			
پیاده‌سازی	تصحیح و ویرایش اولیه	ذکر مأخذ	ویرایش دوم
			تکمیل مأخذ و ویرایش نهایی

## کاهش جمعیت و مسؤولیت ما

تذکری را پارسال در همین ایام خدمت دوستان دادم. بحث مفصلی در مورد وظایف ما به‌عنوان شیعه در زمان خودمان مطرح کردم؛ که یکی از محورهای آن ناظر به بحث جمعیت بود. تجزیه و تحلیل کردیم و گفتیم بر مبنای آمار به‌خوبی می‌توان تشخیص داد که ترکیب جمعیتی جامعه‌ی ایران رو به پیر شدن است. این از یک‌سو که آینده‌ی بسیار تلخی را به ما خبر می‌دهد؛ که جامعه‌ی ما نیروی جوان خود را از دست می‌دهد و در آینده‌ی نه‌چندان دور، درصد بیشتر جمعیت آن را پیرها تشکیل خواهند داد و کشوری که این‌گونه باشد، طبیعتاً نه توانمندی علمی دارد؛ نه توانمندی اقتصادی و نه توانمندی دفاعی در مقابله‌ی با تهاجمات بیگانگان. یک کشور ذلیل و خوار خواهد بود. این بحث را، هم در رابطه با کلّ جمعیت کشور خدمتتان مطرح کردیم و هم در رابطه با مقایسه‌ی ضریب رشد جمعیت بین اهل سنت و شیعه در ایران. با بررسی‌یی که کردیم، دیدیم در کشور ایران ضریب رشد جمعیت اهل سنت نسبت به شیعیان نزدیک به سه برابر است و این آینده‌ی بسیار خطرناکی را خبر می‌دهد؛ یعنی با این روند، اگر این مسأله ادامه پیدا کند، اکثریت داشتن شیعیان در این کشور هم در معرض تهدید جدی است. تنها کشوری که اکثریت آن شیعه‌اند و حکومت شیعی در آن وجود دارد، کشور ماست. این خطایی که دولت‌مردان در سیاست‌گذاری‌های حکومتی کردند، که جامعه را در این مسیر قرار داد؛ آن هم با شیب وحشتناکی که در دنیا بی‌نظیر است؛ یعنی در تمام دنیا کاهش نرخ رشد جمعیت با این سرعتی که در ایران اتفاق افتاد، نظیر ندارد و بی‌نظیر است؛ واقعاً نمی‌دانم این اتفاق دانسته افتاد یا از روی ندانم کاری. به‌رحال ضربه‌ی مهلکی بود هم به کلّ کشور و توانمندی‌های آن

در آینده و هم این اتفاقی که در ترکیب اعتقادی جمعیت می‌افتد، که به شدت آمار اهل سنت رو به افزایش است و آمار شیعیان رو به کاهش. نمونه‌ی آن را خودتان در این شهری که ما زندگی می‌کنیم، می‌بینید. شهری است که اکثریت آن با شیعیان است و اکثریت قریب به اتفاق مردم آن شیعه هستند. خانواده‌ها را ببینید؛ جوان‌ها اول که ازدواج می‌کنند، بنا ندارند به این زودی‌ها فرزنددار شوند. مشکلی که در مراجعه‌هایی که زوج‌های جوان به من می‌کنند، با آن مواجهم، این است که بسیاری از آنها به مشکل ناباروری برمی‌خورند. من پزشک نیستم؛ متخصص نیستم؛ اما گمانم این است که به تأخیر انداختن فرزنددار شدن از طرق مختلفی که انجام می‌شود، می‌تواند به مثابه یکی از عوامل ناباروری باشد. متأسفانه این اواخر خیلی زیاد می‌بینیم زوج‌های جوانی را که هفت، هشت سال با هم زندگی کرده‌اند و تصمیم نداشتند بچه‌دار شوند. اکنون به فکر بچه‌دار شدن افتاده‌اند؛ اما هر چه تلاش می‌کنند، این مؤسسه می‌رود؛ پیش این پزشک می‌روند؛ هیچ نتیجه‌ای نمی‌گیرند. این را مقایسه کنید با اهل سنت؛ که حداقل فرزندان‌ی که برای هر زن و هر دختر پیش‌بینی می‌شود، ده نفر است. ولی در جامعه‌ی ما شیعیان می‌گوییم یک بچه کافی است؛ آن هم حالا نه؛ بگذاریم ده، پانزده سال با هم زندگی کنیم، بعد از آن بچه‌دار شویم. آن هم یکی بس است و اگر دوتا شد، نزدیک به زیاد است! این چه بلایی سر کشور می‌آورد!

به‌نظرم رسید مجدداً امسال هم تأکید کنم. عزیزان من! ولو دشواری، هزینه و مشکلاتی دارد؛ چه خود امر ازدواج، چه فرزنددار شدن؛ اما به‌منزله‌ی یک تکلیف دینی می‌خواهم خدمت شما عرض کنم که فردای قیامت ما نمی‌توانیم سرمان را جلوی امیرالمؤمنین علیه السلام بلند کنیم؛ که ما را در یک کشور با اکثریت تشیع به دنیا آورد، اما ما آن را به کشوری با اکثریت اهل سنت تبدیل کردیم و از خودمان برجای گذاشتیم! به بحث‌های روان‌شناسی و امثال آن کاری ندارم؛ که زوج‌هایی که در زندگی‌شان فرزند نمی‌آید و مثلاً هفت، هشت سال، یا ده سال این‌گونه با هم زندگی می‌کنند، در روابط آنها چه مشکلات و اختلالاتی پیش می‌آید و زندگی آنها در معرض تلاشی قرار می‌گیرد! خانواده‌هایی که تک-فرزندی‌اند، این تک‌فرزندها به‌دلیل اینکه فرزند دیگری در خانواده نیست، چه بحران‌های عجیب

تربیتی‌یی پیدا می‌کنند! آنها بحث جدایی است و نمی‌خواهیم وارد آن شویم. شاید در صلاحیت دیگران هم باشد که وارد این بحث‌ها شوند؛ ولی در جنبه‌ی اعتقادی به صورت جدی تأکید می‌کنم عزیزانی که ازدواج کرده‌اند و هنوز فرزندان نشده‌اند، مصمم شوند. وقتی در سال‌های آغازین فرزندان نمی‌شوید، بعد از چند سال، نو بودن زندگی مشترکتان از بین می‌رود و کم‌کم گلایه‌ها از یکدیگر، سردی روابط و خدای ناکرده مشکلاتی در زندگی خانوادگی آغاز می‌شود؛ اما اگر فرزندی بیاید، چنان عامل پیوند زن و شوهر به هم می‌شود که این مشکلات و معضلات به وجود نخواهد آمد.

توکل و اعتقاد به خدا سبب می‌شود انسان شهامت پذیرفتن مسئولیت تشکیل خانواده را پیدا کند. قرآن به صراحت فرمود: «إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ اللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ»<sup>۱</sup> اگر زوجین تهی‌دست هم باشند، خدا از خزانه‌ی فضل خود آنها را غنی و بی‌نیاز می‌کند. سخن خدا را باور داشته باشیم و به آن اعتماد کنیم. اگر یک ثروتمند یا تاجر به شما بگوید: آقا خیالت راحت باشد؛ برو ازدواج کن؛ هر جا کم آوردی، بیا پیش خود من؛ من نیازت را تأمین می‌کنم. چه‌طور انسان اطمینان می‌کند و می‌رود؟! اما وقتی خدایی که غنی مطلق است<sup>۲</sup> و همه‌ی خزائن آسمان‌ها و زمین متعلق به اوست<sup>۳</sup> وعده می‌کند، چرا برای ازدواج شهامت به خرج نمی‌دهیم؟ و بعد هم در مورد فرزندان شدن، از هزینه‌های آن و خرج‌هایی که فرزند در زندگی دارد، می‌ترسیم؟! درحالی‌که فرزندی که به دنیا می‌آید، تمام نیازهای زندگی خودش را با خود می‌آورد و به زندگی خانواده هم برکت می‌دهد؛ یعنی حضور او به پدر و مادر هم وسعتی می‌دهد. مگر ممکن است خدا مخلوقی خلق کند، بدون اینکه زرقی برای او مقدر کرده باشد؟!

---

<sup>۱</sup>. سوره‌ی نور، آیه‌ی ۳۲.

<sup>۲</sup>. سوره‌ی آل‌عمران، آیه‌ی ۹۷ و سوره‌ی نمل، آیه‌ی ۴۰.

<sup>۳</sup>. سوره‌ی منافقون، آیه‌ی ۷.

امیدواریم عزیزانی که مجرد هستند، هم در امر ازدواج مصمم‌تر شوند و هم در امر فرزنددار شدن شهامت و رغبت بیشتری به خرج دهند. نگذارند سال‌ها از آغاز زندگی مشترکشان بگذرد و بعد بخواهند فرزنددار شوند. در مورد تعداد فرزند هم، هم به کشور رحم کنید؛ هم به جامعه‌ی شیعه‌ی این سرزمین و هم به زندگی خانوادگی و فرزندان خودتان و این قدر محدودیت در تعداد فرزند اعمال نکنید. اگر نسبت به این تذکر بی‌توجهی به خرج دهیم، با این سمت‌وسویی که اختیار کرده‌ایم، هم عقلای اهل دنیا ما را مذمت می‌کنند و هم خدا و اولیای خدا ما را مورد بازخواست قرار خواهند.

به ذهنم آمد امسال هم این تذکر را تکرار کنم. امیدوارم حداقل دوستانی که عرایض من به گوششان می‌رسد، به این بحث جدی‌تر توجه کنند و تذکری را که خدمت عزیزان عرض کردم، در عمل مورد تبعیت و اجرا قرار دهند.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ